

بررسی رابطه بین سبک زندگی و رفتار زیست‌محیطی شهروندان شهر شیراز

فرناز دسترس^۱ و دکتر بیژن خواجه‌نوری^۲

تاریخ وصول: ۹۷/۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲

چکیده:

هدف این مطالعه بررسی رابطه‌ی بین سبک زندگی و رفتار زیست‌محیطی شهروندان شهر شیراز است. در این پژوهش از نظریات پیر بردیو به‌عنوان چارچوب نظری برای تبیین انواع سبک‌های زندگی استفاده شده است و همچنین رفتارهای زیست‌محیطی را به‌عنوان مجموعه رفتارهایی در ارتباط با محیط طبیعی که تحت تأثیر جایگاه افراد در فضای اجتماعی انتخاب می‌شوند، در نظر گرفته‌ایم. روش پژوهش پیمایش و جمعیت‌آماري تحقیق شامل کلیه‌ی افراد بالای ۱۵ سال در ۱۱ منطقه‌ی شهر شیراز است که بر اساس فرمول کوکران حجم کل نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه گردیده است. نمونه‌های آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. از طریق تکنیک تحلیل عاملی ۱۰ عامل برای متغیر سبک زندگی به دست آمد. سبک‌های زندگی که بیشترین تأثیر را بر رفتار زیست‌محیطی داشته‌اند سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی سلامت‌محور، سبک زندگی ورزشی، سبک زندگی تفریحی - فراغتی و سبک زندگی مبادی آداب با رابطه‌ی مثبت و قوی و سبک زندگی فست‌فودی (مدرن) و سبک زندگی اینترنتی با رابطه‌ی منفی و قوی بوده‌اند.

مفاهیم کلیدی: سبک زندگی، رفتار زیست‌محیطی، مصرف فرهنگی، فعالیت فراغت، مدیریت بدن

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
farnazshirazi28@yahoo.com

^۲ دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

از دیرباز سرنوشت تمدن‌های باستانی ارتباط نزدیکی با بحران‌های زیست‌محیطی داشته است که پیرامون آنها را فرا گرفته و با تأثیری که بر تولید مواد غذایی و کاهش تولید محصول منجر می‌شده، زمینه‌های فروپاشی را فراهم می‌کرده است. از زمان آغاز فعالیت‌های کشاورزی در هزاران سال قبل، انسان‌ها با فعالیت‌های خود طبیعت را دگرگون ساخته‌اند. جوامع مبتنی بر شکار و گردآوری خوراک عمدتاً از طبیعت ارتزاق می‌کردند و برای تغییر دادن دنیای اطراف خود تلاشی نمی‌کردند. اما پیش از توسعه‌ی صنعت مدرن، سیطره‌ی طبیعت بر زندگی بشر بسیار بیش از سلطه‌ی بشر بر طبیعت بود. امروزه بشر چنان بر محیط زیست طبیعی یورش آورده که هیچ فرآیند طبیعی‌ای از تأثیر فعالیت‌های بشر مصون نمانده است. تأثیر زیانبار فعالیت‌های بشر روی جهان طبیعی موجب ترس و نگرانی عده‌ی زیادی شده است (Giddens, 2010: 881-882).

احتمالاً امروز باید به این سؤال پاسخی در خور داده شود که «آیا تمدن ما نیز با سرنوشتی مشابه این تمدن‌ها روبه‌روست؟». شاید دور از واقعیت نباشد که یکی از اساسی‌ترین بحران‌های جهان امروز را نیز انواع بحران‌های زیست‌محیطی بدانیم. بحران زیست‌محیطی امروزه یکی از معضلات اساسی جوامع مختلف محسوب می‌شود. روند رو به رشد انواع بحران‌ها در حوزه‌ی محیط زیست، از قبیل آلودگی هوا و آب، تولید زباله و آلودگی محیط زیست، از بین رفتن گونه‌های جانوری، بحران منابع آب و فرسایش خاک و ... می‌رود تا دولت‌های مختلف را در ابعاد ملی و بین‌الملل با بحران رو به رو کند (Brown, 2014).

امروزه مسائلی نظیر محدودیت دوام ذخایر فسیلی، نگرانی‌های زیست‌محیطی، ازدحام روزافزون جمعیت، رشد اقتصادی و میزان مصرف، همگی مباحث جهان‌شمولی هستند که فکر اندیشمندان را در یافتن راهکارهای مناسب برای حل معضلات انرژی در جهان - و بخصوص بحران‌های زیست‌محیطی - به خود مشغول کرده‌اند (Sharepoor, 2008: 135s as cited in Khoshfar, Salehi, Vesal & Abbaszade, 2015:140). با توجه به حساسیت‌ها و نگرانی‌های ایجاد شده در زمینه‌ی بحران محیط زیست، دانشمندان بسیاری در جهان شیوه‌های متنوعی را برای کاهش آسیب‌های به وجود آمده برای زمین ارائه کرده‌اند؛ اما نکته‌ی قابل توجه این است که بسیاری از دانشمندان به جای اینکه تغییری در الگوهای رفتاری و انتخاب سبک زندگی جدید متناسب با تحولات زیست‌محیطی را پیشنهاد کنند، به راه‌حل‌های فناورانه روی آورده‌اند. در واقع همان‌طور

که (Rajput & Bajaj, 2011: 59) اشاره کرده و تأکید می‌کنند، راه حل مشکلات محیط زیستی صرفاً بر دوش فناوری نیست. علیرغم اینکه امروزه فناوری‌های پاک عامل مهمی در حل و فصل بسیاری از فشارهای محیط زیستی محسوب می‌شوند، برخی از دانشگامیان و سیاست‌گذاران حامی محیط زیست توافق دارند که تغییر رفتار افراد از طریق تغییرات عمیق‌تر در جامعه نیز نقشی حیاتی ایفا می‌کنند (Jackson & Michael az cited in Willuweit, 2001:1 az cited in Hemmati & Shobeiri, 2015:199). همان‌طور که (Sanderz et al, 2006: 703) اظهار داشته‌اند، «گذار به پایداری جهانی، نیازمند تغییر در ارزش‌های انسانی، نگرش‌ها و رفتارها است». متناسب با رویکرد مبتنی بر تغییر سبک زندگی و رفتار ضد محیط زیستی، بسیاری از دانشمندان، سازمان‌ها و افراد نگران در سراسر جهان فراخوان‌هایی برای تغییر فوری و اساسی فرهنگ و رفتار انسانی و بکارگیری فناوری‌های سازگار با محیط زیست، به منظور حفظ سیستم‌های حمایت‌کننده‌ی حیات زمین، ارائه کرده‌اند (Willuwei, 2009 az cited in Hemmati et a, 2015:1991).

بنابراین بحران‌های زیست‌محیطی عصر کنونی را باید به گونه‌ای درک کرد که منجر به فهمی فراتر از دوگانه‌های جامعه - طبیعت باشد. آن‌گونه که اولریش بک فراتر از این دوگانه‌ی مرسوم در جامعه‌شناسی دو نگاه واقع‌گرا و برساخت‌گرا را برای فهم بحران‌ها پیشنهاد می‌کند (Beck, 2009: 47-54). شاید بتوان نظریات مربوط به سبک زندگی را، با توجه به اینکه این نظریات توانایی پیوند دادن عرصه‌های عینی و ذهنی زندگی را دارا هستند، به‌عنوان نقطه‌ی عزیمت مناسبی برای فهمی چند لایه از نحوه‌ی مواجهه‌ی مردم با بحران‌های زیست‌محیطی دانست؛ مواجهه‌ای که در نهایت منجر به انتخاب نوعی رفتار خاص با توجه به امکانات و کیفیت این امکانات برای افراد در جایگاه اجتماعی‌شان است. در این میان آرای پیر بوردیو در ارتباط با سبک‌های زندگی^۱، عادتواره^۲، میدان^۳ و انواع سرمایه^۴ بسیار راهگشاست. بوردیو، سبک زندگی را به فعالیت‌های نظام‌مند نشأت یافته از ذوق و سلیقه‌ی فرد، که بیشتر جنبه‌ی عینی و خارجی دارد و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشد، تفسیر کرده است. این مجموعه فعالیت‌ها، اقشار گوناگون اجتماعی را از یکدیگر متمایز می‌سازد؛ نظام‌مندی در اعمال، به دلیل نظام‌مندی در طرز عمل است. سلیقه، یعنی تصرف مقوله‌ی معینی از ابژه‌ها یا اعمال طبقه‌بندی شده و

¹ lifestyle

² habitus

³ sphere

⁴ capital

طبقه‌بندی کننده، ضابطه، زاینده‌ی سبک زندگی است؛ سبک زندگی مجموعه‌ی متحدی از ترجیحات تمایزبخش است که قصد ابرازگری واحدی را در منطق خاص هر خرده فضای نمادینی مانند میلان، پوشاک، زبان یا حرکات و سکناات بدنی به نمایش می‌گذارد (Bourdieu, 2011:242-245).

از تعریف ارائه شده برمی‌آید که نوع تلقی بوردیو از سبک‌زندگی، کارکردی است؛ زیرا وی گاه آن را به مجموعه کنش‌ها و رفتارهای برآمده از انتخاب‌های کنشگران تفسیر می‌کند، گاه آن را نتیجه‌ی قابل رؤیتی از ابراز عادت‌ها در قالب نمودهای عینی تلقی می‌نماید و در موضعی نیز آن را به خاستگاه اصلی‌اش، یعنی طبایع و قریاح یا ذوق و سلیقه‌های فردی اسناد می‌دهد (Najafi and Sharafodin, 2016:46). بنابراین فهم رفتارهای زیست‌محیطی افراد با توجه به سبک زندگی متمایز هر گروه، از جهتی نشان‌دهنده و نشأت گرفته از جایگاه خاص هر گروه از افراد در فضای اجتماعی است؛ چرا که بر اساس دیدگاه بوردیو توزیع نابرابر منابع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی یا همان «سرمایه‌ها» در میان مردم در موقعیت‌های متفاوت طبقه‌ی اجتماعی است (Bourdieu, 1986). طبق نظر کوکرهام این سرمایه‌ها، ساختمان سبک زندگی را شکل می‌دهد (Cockerham, 2005:55). به‌عنوان بخشی از نظریه‌ی سبک زندگی الگوهای جمعی از رفتار بر اساس انتخاب‌های داوطلبانه زندگی از میان گزینه‌های در دسترس برای مردم مطابق با فرصت‌های زندگی‌شان یا موقعیت طبقاتی‌شان است (Christensen and Carpiano, 2014: 12). با این نگاه و بر این اساس، فهم رفتارهای زیست‌محیطی افراد در جامعه نشأت گرفته از مجموعه‌ی دانش فرهنگی، نوع خاص مصرف کالاها و ذائقه‌ی فرد است که به‌عبارتی هم نشان‌دهنده‌ی جایگاه افراد است و هم به لحاظ تفاوت در ترکیب این موارد باید انتظار بروز رفتاری متفاوت از هر گروه را داشته باشیم.

گذشته از شرایط بحرانی محیط زیست در مقیاس جهانی، از نظر اکثر پژوهشگران و صاحب‌نظران، امروزه ایران وارد مرحله‌ی بحرانی در محیط زیست خود شده است. بحران‌های زیست‌محیطی که عموماً بر تمامی نقاط جهان اثرگذار خواهد بود، اما در محدوده‌ی مرزهای ملی یک کشور نیز می‌توانند منشأ بحران‌آفرینی فراوانی باشند. مؤسسه‌ی صلح جهانی می‌نویسد: «در حال حاضر خطری که از جانب بحران قریب‌الوقوع محیط زیستی ایران احساس می‌شود، به مراتب بیشتر از خطر دشمنان خارجی و منازعات سیاسی داخلی است. شاخص عملکرد محیط زیستی سال ۲۰۱۴ که از سوی دانشگاه ییل و کلمبیا انجام شده و ۲۲ فاکتور محیطی چون منابع آب، آلودگی هوا، تنوع زیستی، تغییرات

آب و هوایی را مورد بررسی قرار داده بود، ایران از میان ۱۷۸ کشور مورد مطالعه، در جایگاه ۸۳ قرار گرفت» (*Invironmental Performance Index Repor, 2015 as*) (cited in Hemmati et al, 2015, 198).

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد که در کشور ما نیز وضعیت محیط زیستی به سرعت به مرحله‌ی بحران رسیده و این در حالی است که در مقایسه با جوامع غربی، فرهنگ محیط زیستی در بین مردم متناسب با عمق فاجعه و بحران شکل نگرفته است. در این شرایط به نظر می‌رسد بررسی ارزش‌ها، رفتارها و سبک زندگی شهروندان و در کل، فرهنگ محیط زیستی بهترین گزینه برای یک پژوهش علمی باشد. در این پژوهش با توجه به مطالب عنوان شده در سطور پیشین با تمسک به نظریه‌ی بوردیو در ارتباط با سبک‌زندگی، به بررسی تأثیر سبک زندگی بر رفتار زیست‌محیطی خواهیم پرداخت و تلاش خواهیم نمود مجموعه‌ی تصمیم‌های آگاهانه‌ی افراد در ارتباط با محیط زیست را از دریچه‌ی عملیاتی نمودن دیدگاه‌های بوردیو در ارتباط با سبک زندگی و کشف سبک‌های زندگی متمایز با استفاده از تکنیک‌های آماری مرتبط از قبیل تحلیل عاملی، مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

مبانی نظری و ارائه چارچوب نظری

طراحی پژوهشی میدانی با پیوند میان نظریات مربوط به سبک‌زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی به معنای درک بحران‌های زیست‌محیطی از منظری فرهنگی و در حوزه‌ی جامعه‌شناسی فرهنگی است. تحلیل محیط زیست از منظر جامعه‌شناسی فرهنگی در حقیقت ارتباط میان نحوه‌ی مصرف (فرهنگی، اوقات فراغت، پوشش و ...) و تأثیرات این مصرف بر شکل‌گیری آگاهی‌های مختلف از قبیل آگاهی زیست‌محیطی و در گام بعدی تأثیرات عینی این مصرف بر محیط زیست اطراف است. بنابراین بر نظریات سبک زندگی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی فرهنگی مروری خواهیم داشت. سبک زندگی در واقع به‌عنوان واسطه و میانجی مابین ارزش و رفتار است. طبق نظر (Fazeli, 2003:92) سبک زندگی، نظام‌شناختی میانجی است که ادراکات زمینه‌مند و وابسته به موقعیت را به ادراکات و مقولات شناختی انتزاعی (ارزش‌ها) وصل کرده و به نوعی دانش اخباری و عملی تبدیل می‌شود. البته ارزش‌ها یکی از عواملی هستند که این دانش اخباری و عملی را شکل می‌دهند. به‌علاوه، سبک زندگی به محض شکل گرفتن، به موجودیتی نسبتاً مستقل از مجموعه ارزشی اولیه تبدیل می‌شود و قادر است مستقیماً به فعالیت‌های افراد جهت بدهد.

ارزش جامعه‌شناختی سبک زندگی نیز در همین نکته است. ارزش‌ها و مجموعه‌ای از عوامل دیگر با هم ترکیب شده و نهایتاً موجودیتی را پدید می‌آورند که فرد را از مراجعه‌ی دائم به مجموعه معیارهای رفتار شخصی معاف می‌کنند. تحلیل سبک زندگی به معنای شناخت این ترکیب پیچیده، منشأ شکل‌گیری و پیامد رفتاری آن است.

شاید جامعه‌شناسی تاکنون افراد را همچون موجودیت‌های پاره‌پاره دیده است که با دانستن آنچه بدان تمایل دارند و آنچه که مطلوب می‌پندارند، قادریم آنچه انجام می‌دهند را تبیین یا پیش‌بینی کنیم. اما مفهوم سبک زندگی حداقل این فرضیه را مطرح می‌کند که شاید افراد کلیت‌های منسجم هستند و گام اول این است که بدانیم چه می‌کنند نه آنکه چه می‌اندیشند. به علاوه، شاید بتوان رفتارهای آنها در عرصه‌های مختلف را با عنایت به رفتارهای دیگرشان و ندانستن ذهنیت آنها تبیین کرد. حداقل اینکه رفتارها به اندازه‌ی ذهنیات، ارزش جامعه‌شناختی و تبیین‌کنندگی دارند. اگر بدانیم افراد چه می‌کنند، ممکن است دریابیم که چرا چنین می‌کنند و چه اصلی به کرده‌های ایشان وحدت می‌بخشد (Fazeli, 2003:84). سبک زندگی امکان این را فراهم می‌آورد که بررسی کنیم میان آنچه ارزش‌های ما حکم می‌کرده‌اند و نگرش‌های ما بدان تمایل داشتند با آنچه که تحقق یافته است، چقدر فاصله وجود دارد (Ibid).

دسته‌ای از جامعه‌شناسان همچون *Simmel, Leslie, Lazar, Mackey and Clockhon* معتقدند که رفتارهای عینی است که سبک زندگی را می‌سازد و گروهی دیگر مانند *Veblen, Wenzel and Giddens* علاوه بر رفتارهای عینی، رفتارهای ذهنی را در ساختن سبک زندگی دخیل می‌دانند (Jabaran, 2015: 182). در این پژوهش علاوه بر مرور کامل نظریات طیف‌های متنوع به صورت خاص از نظریه‌ی بوردیو برای راهبری امر تحقیق بهره گرفته شده است.

بنابراین می‌توان گفت سبک زندگی به‌عنوان مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری با مقوله‌بندی افراد در قشرهای مختلف، آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند؛ دنیای اجتماعی و حوزه‌های رفتاری و ارتباطی او را سامان می‌دهد و بر فعالیت‌ها، انتخاب‌ها، تعامل با دیگران و محیط تأثیر می‌گذارد. سبک زندگی، شکل تجسم‌یافته‌ی ترجیحات فردی است که به عمل و رفتار تبدیل شده و قابل مشاهده است. مفهوم سبک زندگی می‌تواند مدعی تلفیق ساخت و کنش باشد. به نظر می‌رسد که توان مفهوم سبک زندگی برای چنین تلفیقی بیش از همه از ارتباط آن با مفهوم منش بوردیو ناشی می‌شود. منش بطور خلاصه عبارت

است از محدودیت‌های اجتماعی درونی شده فرد که حاصل جایگاه ساختاری وی هستند (Fazeli, 2003:166).

تورشتاین وبلن تعریفی از سبک زندگی ارائه نکرده و تلویحاً پذیرفت که این مفهوم دال بر شیوهی زندگی متمایز طبقه‌ی مرفه و نمودی از جایگاه طبقاتی آنهاست. به این اعتبار، سبک‌زندگی در اندیشه وبلن متغیری وابسته است. زیمل نیز عنایت خاصی به این مفهوم نداشت. در میان کلاسیک‌های جامعه‌شناسی فقط Weber بود که سبک زندگی را به‌عنوان شاخص گروه‌های منزلت و عامل انسجام گروهی آنها طرح کرد. وی نیز علیرغم آنکه جایگاه مستقلی برای سبک زندگی قائل شد و آن را قابل تقلیل به موقعیت طبقاتی افراد ندانست، اما تحلیل خود را از این پیشتر نبرد. در ابتدای قرن بیستم تنها اندیشمندی که سبک زندگی را در کانون نظریه‌ی خود قرار داد، روان‌شناس آلمانی به نام Adler بود که او هم از زاویه‌ی جامعه‌شناسی به این مفهوم نمی‌نگریست (Fazeli, 2003:62).

آنتونی گیدنز یکی از طرفداران مدرنیته متأخر است. وی معتقد است که ویژگی خاص مدرنیته پویایی، تأثیر جهان‌گستر و زیاد تغییر دادن رسوم سنتی است. مدرنیته سبب می‌شود که افراد، هر چه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سنت به‌طور معمول در اختیار آنها قرار می‌داد رها شوند و بدین ترتیب فرد را رو در روی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آنکه دارای کیفیتی غیر شالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل آورد یاری دهد (Giddens, 2008:119). در این میان امنیت هستی‌شناختی فرد آسیب می‌بیند. فرد برای اعاده‌ی امنیت هستی‌شناختی خود از میان انتخاب‌های موجود برخی را برمی‌گزیند. به عقیده‌ی گیدنز، این انتخاب‌ها تصادفی نبوده و الگویی را پدید می‌آورند که فقط بخشی از آن مربوط به مصرف است (Giddens, 2008:120-121). این مجموعه‌ی الگومند، راهنمایی برای کنش می‌شود و فرد را از این معضل که در هر لحظه مجبور به تصمیم‌گیری آگاهانه باشد می‌رهاند. هر سبک زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منتظم را نیز تأمین می‌کند (Ibid:121). با برداشتی که گیدنز از مقوله‌ی سبک زندگی دارد، مطالعه‌ی سبک زندگی عبارت است از تلاش برای شناخت مجموعه منتظمی از رفتارها یا الگوهای کنش که افراد آنها را انتخاب کرده و کنششان در زندگی روزمره به واسطه‌ی آنها هدایت می‌شود. مهم این است که چنین انتخاب‌هایی در هر سطحی وجود دارند و هیچ فرهنگی انتخاب افراد را

کاملاً از آنها نمی‌گیرد. ناگفته پیداست که چنین مطالعه‌ای معطوف به بررسی چگونگی ساخته شدن هویت‌های فردی با کمک سبک‌های زندگی نیز خواهد بود (Fazeli, 2003:65-66).

Sobel که شاید مفصل‌ترین متن درباره‌ی تعریف سبک زندگی را نوشته، معتقد است که تقریباً هیچ توافق تجربی یا مفهومی درباره‌ی اینکه چه چیز سازنده‌ی سبک زندگی است وجود ندارد. برخی دیگر هم معتقدند که می‌توان این مفهوم را بسته به موضوعی که مطالعه می‌شود به طرق مختلف تعریف کرد و ارائه‌ی تعریفی از آن، نافی بقیه‌ی شیوه‌های استفاده از این مفهوم نیست؛ فقط لازم است تا زمینه‌ای را که در آن از این مفهوم استفاده می‌شود تعریف کرد (Loov and Miegel, 1990:21 as cited in Fazeli, 2003: 67).

Christensen هم به هنگام بحث درباره‌ی رابطه‌ی سبک‌های زندگی و تأثیرات زیست‌محیطی آن‌ها، شیوه‌ای که بدان طریق زندگی را زندگی می‌کنیم، سبک‌زندگی می‌خواند (Fazeli, 2003:69). آنتونی گیدنز معتقد است سبک‌های زندگی کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش و محیط دلخواه برای ملاقات کردن دیگران جلوه می‌کنند. اما وی یادآور می‌شود که چنین رفتارهایی بازتاب‌کننده‌ی هویت‌های شخصی، گروهی و اجتماعی‌اند (Cockerham et al, 1997:321 as cited in Fazeli, 2003:69). *Spaargan* به تبعیت از گیدنز، رفتاری را مشخصه‌ی سبک زندگی می‌داند که روایتی از خود در آن مستتر باشد؛ زیرا بسیاری از رفتارها فقط به قصد برآوردن نیازهای اولیه انجام می‌شوند (Fazeli, 2003:69).

در این پژوهش با توجه به مرکزیت نظریه‌ی پیر بوردیو ضروری است تا عوامل شکل‌دهنده‌ی سبک زندگی از منظر او را مورد نظر قرار دهیم. تنها از این زاویه است که می‌توانیم رفتارهای زیست‌محیطی را از منظر نظریه‌ی سبک زندگی مورد تحلیل قرار دهیم. طبق نظر (Bourdieu, 1984)، هر فرد یک موقعیت در فضای چند بعدی اجتماعی اشغال می‌کند که مجموعه‌ی رفتارهای خاصی را شکل می‌دهد. این موقعیت توسط حجم سرمایه‌ای که هر فرد به نسبت بقیه‌ی افراد داراست و همچنین توزیع نسبی انواع متفاوت سرمایه تعریف می‌شود. بطور کلی سه نوع سرمایه وجود دارد: اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. سرمایه‌ی اقتصادی، دارایی مرسوم اقتصادی است مثل مالکیت پول، خانه یا ماشین. سرمایه‌ی فرهنگی شامل دانش، مهارت و فهم دستورالعمل‌های هنجاری و مفهومی یک فرهنگ خاص است و شامل سه نوع متفاوت است: ۱- شکل رسمی شده (مثل

تحصیلات رسمی)؛ ۲- عینی شده (دارایی محصولات فرهنگی)؛ ۳- مجسم شده (مشارکت فرهنگی). سرمایه‌ی اجتماعی شامل منابع در دسترس از طریق شبکه‌های اجتماعی افراد است (Bourdieu, 1986). این سه نوع سرمایه، عضویت طبقاتی را معین می‌کنند. افرادی که طبقات بالا یا دارای امتیاز بیشتر را اشغال می‌کنند، دارای حجم بیشتری از سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هستند نسبت به افراد در طبقات پایین‌تر یا با امتیاز کمتر (Christensen and Carpiano, 2004:13).

در درون هر طبقه یک سبک زندگی مشخص وجود دارد که تشکیل شده از عادت‌واره (که مجموعه‌ای از حالات شناختی است)، طرح‌واره (الگو) و ذائقه‌های خاص افراد همان طبقه‌ی اجتماعی. از درون عادت‌واره، عملکردهای معنی‌دار و آگاهی‌های (احساسات، ادراکات) معنادار تولید شده است؛ بنابراین عادت‌واره مجموعه‌ای از انتخاب‌ها^۱ را تولید می‌کند که سبک‌های زندگی را می‌سازد (Bourdieu, 1984:175). عادت‌واره‌ها در میان افراد متفاوت هستند چرا که افراد وضعیت‌های عینی متفاوتی دارند. در عین حال، افرادی که موقعیت‌های نزدیک به هم در یک فضای اجتماعی خاص اشغال می‌کنند، وضعیت‌های عینی مشابهی دارند و بنابراین گرایش دارند که عملکردها و حالات مشابهی از نظر تولید عادت‌واره داشته باشند (Bourdieu, 1987).

بنابراین مفهوم‌پردازی بوردیو از ذائقه، سلیقه و مصرف فرهنگی بصورت کلی سهم مهمی برای نظریه‌ی سبک زندگی فراهم کرده است و همچنین کاربرد خاصی برای آزمایش تفاوت‌ها در مصرف، فعالیت فراغت و تصور بدن دارد (مخصوصاً بر حسب جنسیت). بوردیو در کتاب تمایز (۱۹۸۴: ۷۸) بصورت تجربی استدلالش را آزموده است؛ اینکه انتخاب‌های معمولی روزمره مثل اسباب منزل، پوشاک یا غذا پختن توسط افراد در جایگاه‌های متفاوت بسیار معنی‌دار است و سبک‌های متفاوتی بر آن نیز مترتب است. از طریق تحلیل داده‌ها، بوردیو الگوهای مختلف غذا خوردن، فعالیت فراغت و تصور از بدن را توسط طبقات اجتماعی متفاوت با سبک‌های زندگی مختلف شناسایی کرده است. نظریه‌ی بوردیو ریشه در جهت‌گیری علی چند بعدی و ارتباطی دارد (Labaron, 2009 as cited) که پیوند بین ساختار طبقات اجتماعی و ساختار عملکردها و رفتارها را به‌عنوان ساختار همسان یا ارتباط هم‌شکل مطرح می‌کند (Bourdieu, 1984).

¹ choices

به عبارتی با توجه به توضیحات عنوان شده در سطور بالا می‌توان این‌گونه قضاوت کرد که از دیدگاه بورديو مجموعه‌ی انتخاب‌های افراد، مثلاً نوع خاصی از غذا، نوع خاصی از ورزش یا گرایش خاصی در هنر، توسط ساختارهایی که ناشی از جایگاه فرد است مشخص می‌شوند و مجموعه‌ی این عوامل شکل‌دهنده‌ی سبک‌های زندگی متمایز از یکدیگر است. کمیت و کیفیت سرمایه در چگونگی مصرف، رغبت، ذوق و سلیقه و انتخاب سبک زندگی مؤثر است. ذوق و سلیقه نیز با سرمایه‌ی پیوندی تنگاتنگ دارد؛ یعنی ذوق و سلیقه هم جزء سرمایه محسوب می‌شود و هم سرمایه‌ها بر مبنای آن مبادله می‌گردند (Stones, 2000:339-340 as cited in Najafi and Sharafodin, 2016:149).

ترکیبات مختلفی از سرمایه که جایگاه افراد را در فضای اجتماعی شکل می‌دهد ممکن است نوع خاصی از رفتار را تسهیل و یا مانع شود. بنابراین بروز انواع مختلف رفتارها در هر یک از سبک‌های زندگی متمایز را باید در امکاناتی که ترکیب سرمایه‌ی هر طبقه در اختیار او قرار می‌دهد درک کرد. سرمایه‌ی اقتصادی بصورت مثبتی با تمام عوامل مربوط به امکانات کنش مرتبط است و می‌تواند انواع کنش‌ها را تسهیل کند. سطوح بالای سرمایه‌ی فرهنگی ممکن است موجب افزایش آگاهی فرد در ارتباط با موضوعات مختلف و ترجیحات فرهنگی خاصی شود و روابط اجتماعی افراد و سرمایه‌ی اجتماعی او ممکن است انواع رفتارهای زیست‌محیطی را تسهیل و تشویق و یا مانع شود.

آنچه که به‌عنوان برآیند و خروجی سازوکارهای موجود در سبک زندگی افراد نسبت به پدیده‌های بیرونی است، مجموعه رفتارهایی را شکل می‌دهد که می‌توان به‌عنوان متغیر وابسته‌ی سبک زندگی مورد مطالعه قرار گیرد. رفتارهای زیست‌محیطی مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط زیست است که در یک طیف وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار نسبت به محیط زیست را شامل می‌شود (Aghili, 2009:267) و در اینجا توجه ما به مجموعه رفتارهای زیست‌محیطی افراد تحت تأثیر سبک‌های زندگی متفاوت است که به معنای مجموعه‌ی رفتارهای آگاهانه‌ی افراد است که توسط جایگاه آنان در فضای اجتماعی شکل می‌گیرد.

در این پژوهش همچنان که از نظریات بورديو برمی‌آید می‌توان از طریق نحوه‌ی مصرف و ذائقه‌ی فرد، انواع ترجیحات افراد، نوع خاص پوشش، نحوه‌ی خاص استفاده از زبان و همچنین مجموعه‌ی دانش‌های فرهنگی که افراد در اختیار دارند به معیارهایی برای طبقه‌بندی افراد دست یازید؛ معیارهایی که می‌توان گفت تعیین‌کننده‌ی نوع رفتارهای غالب افراد خواهد بود؛ همچنین از نظر بورديو این معیارها که می‌توان تحت عنوان مصرف

فرهنگی، فعالیت فراغت و مدیریت بدن دسته‌بندی شوند، نشان‌دهنده‌ی جایگاه افراد در فضای اجتماعی خواهد بود.

Kollmuss and Agyeman دو تن از پژوهشگران رفتارهای زیست‌محیطی، معتقدند که چارچوب‌های نظری متعددی توسعه یافته‌اند؛ بدین منظور که شکاف میان دارا بودن دانش زیست‌محیطی^۱ و آگاهی زیست‌محیطی^۲ را توضیح دهند و رفتار محیط زیستی را نشان دهند. گر چه تعداد وسیعی از مطالعات صورت گرفته است، ولی همچنان توضیح و تعریف قطعی وجود ندارد. تعدادی از مؤثرترین و رایج‌ترین استفاده از چارچوب‌های تحلیلی، مثل مدل خطی و قدیمی آمریکایی^۳، مدل رفتار اجتماع‌گرایانه، نوع دوستی و همدلی^۴ و در نهایت مدل‌های جامعه‌شناسی^۵ است. اینها نشان می‌دهد که این سؤال که چه چیزی رفتار طرفدارانه‌ی زیست‌محیطی ما را شکل می‌دهد، یک سؤال پیچیده است که نمی‌تواند تنها از طریق یک چارچوب یا مدل متصور گردد (*Kollmuss and Agyeman, 2002:239*).

در طول ۳۰ سال گذشته، بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ریشه‌های مستقیم و غیر مستقیم کنش‌های زیست‌محیطی را شناسایی کرده‌اند. پاسخ به سؤال «چرا افراد بصورت محیط زیستی عمل می‌کنند و چه موانعی برای رفتار طرفدارانه‌ی محیط‌زیستی وجود دارد» بشدت پیچیده است. کالموس و اجی من رفتار زیست‌محیطی را به‌عنوان رفتاری که عمداً به دنبال به حداقل رسانیدن تأثیرات منفی کنش یک فرد بر دنیای طبیعی و ساختگی باشد (به‌عنوان مثال به حداقل رسانیدن مصرف منابع و انرژی، استفاده از مواد غیر سمی، کاهش اتلاف تولیدات) در نظر می‌گیرند (*Kollmuss and Agyeman, 2002:240*).

تاریخ پژوهش اجتماعی خصوصاً پژوهش کمی، شاهد غلبه‌ی مدلی برای تبیین رفتار است که نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای فرد را تبیین‌کننده می‌داند. در این مدل، قصد برای انجام رفتار تقریباً مساوی رفتار انگاشته شده و قصد برای انجام رفتار نیز با دو عامل نگرش و هنجار ذهنی (ادراک فرد از انتظارات دیگران از وی) توضیح داده می‌شود. اما مطالعات متعدد نشان می‌دهند که چنین مدلی کارآمد نیست (*Spaargan, 2000:332 as cited in Fazeli, 2003:168*). شاید یک سؤال مناسب در اینجا این باشد که چه عواملی

¹ environmental knowledge

² environmental awareness

³ early us linear progression models

⁴ altruism, empathy and prosocial behavior models

⁵ sociological models

می‌تواند یک رفتار متناسب با محیط زیست را شکل دهد؟ بسیاری از افراد نسبت به اهمیت حفظ ذخایر انرژی معترف هستند، اما تعداد کمی حاضر به استفاده از وسایل نقلیه عمومی به جای اتومبیل شخصی هستند. به اعتقاد *Schuman and Johnson* تفاوت نگرش بیان شده و رفتار واقعی ناشی از تلاش فرد برای آشتی دادن دو یا چند ارزش یا موقعیت متضاد است. برای مثال در زمینه‌ی استفاده از اتومبیل شخصی می‌توان دید که تعارض میان ارزش‌های زیست‌محیطی و محدودیت فرد در استفاده از وسایل نقلیه عمومی، باعث می‌شود که بخش عمده‌ای از افراد به محدودیت ساختاری تن دهند. بنابراین تناقض نگرش و رفتار بیش از آنکه نشان‌دهنده‌ی ماهیت انسان باشد، آشکارکننده‌ی خصایصی از ساخت اجتماعی است؛ اما وقتی که از منظر سبک زندگی به خصوص نظریه‌ی بورديو به مسئله‌ی توجه می‌کنیم، نگاه ما معطوف به شیوه‌های مختلف مصرف فرهنگی افراد و اعمال مختلفی می‌شود که ساختمان سبک زندگی افراد را شکل می‌دهد و اینکه چه ترکیبی از این موارد می‌تواند تسهیل‌کننده‌ی یک رفتار زیست‌محیطی باشد. در همین جاست که مفهوم سبک زندگی قابلیت خود برای شناخت دقیق‌تر از رفتارها و پیش‌بینی آنها را آشکار می‌کند (*Fazeli, 2003:169*).

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

در ارتباط با مطالعه‌ی بحران‌های زیست‌محیطی از دریچه‌ی رفتارهای زیست‌محیطی به طیف گسترده‌ای از پژوهش‌های داخلی و خارجی بر می‌خوریم. فتحی و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان «تحلیل رفتارهای زیست‌محیطی ساکنان شهر رشت با تأکید بر سبک زندگی» در شهر رشت در سال ۱۳۹۴ به روش پیمایش انجام شده است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، افراد بالای ۱۶ سال ساکن شهر رشت بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین سبک زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. به نظر می‌رسد مسئله‌ی محیط زیست در شهرهایی مانند رشت به‌عنوان یک مسئله‌ی مهم اجتماعی تلقی نمی‌شوند و بحثی است که هنوز وارد عرصه‌ی عمومی نشده و محدود به نخبگان جامعه می‌باشد (*Fathi & et al, 2015*).

میمندی و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل فرهنگی مرتبط با رفتارهای زیست‌محیطی ساکنان شهر یزد» در شهر یزد در سال ۱۳۹۳ به روش پیمایش انجام شده است. تعداد نمونه ۳۸۴ نفر بوده است. در این تحقیق به بررسی عوامل فرهنگی

مرتبط یعنی سرمایه‌ی فرهنگی، دین‌داری، سبک زندگی و بهره‌مندی از وسایل ارتباط‌جمعی با رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان شهر یزد پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، میان متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، سبک زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معنادار وجود دارد؛ همچنین میان زنان و مردان در رفتارهای زیست‌محیطی تفاوت معناداری وجود دارد. اما میان متغیرهای سن، وضع تأهل، بهره‌مندی از وسایل ارتباط‌جمعی، دین‌داری، تحصیلات و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد (Meimandi & et al, 2014).

نواح و همکاران (۱۳۹۰)، تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه‌ی بین میزان دین‌داری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان شهر اهواز» در شهر اهواز در سال ۱۳۹۰ به روش پیمایش انجام شده است. تعداد نمونه ۴۰۰ نفر بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای سن و جنس و تحصیلات با رفتار زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده برای رابطه‌ی متغیرهای میزان دین‌داری و رفتار زیست‌محیطی ۰/۰۸۰ و سطح معناداری ۰/۱۱۲ که نشان از این بود که بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود ندارد؛ اما ضریب همبستگی به دست آمده برای رابطه‌ی میزان دین‌داری و ارزش زیست‌محیطی ۰/۱۵۸ و ارزش زیست‌محیطی با رفتار زیست‌محیطی ۰/۱۶۸ بدست آمده که هر دو رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند (Navah & et al, 2011).

ب) تحقیقات خارجی

سزری و همکاران (۲۰۱۱)، تحقیقی با عنوان «رفتار مصرفی و الگوهای سبک زندگی دانشجویان مجارستان از دیدگاه آگاهی‌های زیست‌محیطی» در سال ۲۰۱۱ انجام شده است. هدف تحقیق، توصیف رفتارهای مصرفی و الگوهای سبک زندگی دانشجویان می‌باشد. نتایج از یک پیمایش بین‌المللی گردآوری شده‌اند. داده‌ها از طریق پرسشنامه آنلاین توسط ۳۵۰۰ پاسخگو جمع‌آوری شده‌اند. هدف تجزیه و تحلیل آماری، توصیف مهم‌ترین دسته‌های دانشجویان بر اساس عامل‌های رفتار مصرفی‌شان، فعالیت زیست‌محیطی و عادات روزمره به نفع محیط زیست می‌باشد. نتایج، دو خوشه‌ی کاملاً متفاوت را نشان می‌دهد: طرفداران محیط زیست و بی‌طرفان (گروه خنثی). اگر چه دسته سوم، رفتار مصرفی متعادل‌تری دارد. سه خوشه‌ی دیگر، تقریباً الگوهای آمیخته‌ای از سبک زندگی را نشان می‌دهد؛ همچنین نتایج نشان می‌دهد که گروه یا افرادی که سبک زندگی

منطقی و اصولی دارند، فعالیت محیط زیستی و رفتار مصرفی‌شان بسیار محدود است. طرفداران محیط زیست گرایش دارند هماهنگ و سازگار زندگی کنند اما سطح مصرفشان پایین نیست (Szerényi & et al, 2011).

هان‌پا (۲۰۰۷)، تحقیقی با عنوان «تعهد سبز مصرف‌کنندگان: نشان از سبک زندگی پسامدرن؟» در کشور فنلاند، شهر تورکو، در سال ۲۰۰۷ انجام داده است. داده‌ها برای تحقیق حاضر، شامل داده‌های گردآوری شده از طریق پیمایش پستی در سال ۲۰۰۳ می‌باشد. داده‌ها بصورت تصادفی در میان تمامی ساکنین منطقه‌ی تورکو جمع‌آوری شده است. حجم نمونه ۱۳۷۰ نفر می‌باشد. داده‌ها شامل هر دو جنس مرد (۳۵۸ نفر) و زن (۱۱۸۵ نفر) می‌باشد. نتایج حاکی از وجود رابطه‌ی معنادار میان سبک زندگی و تعهد سبز می‌باشد. سبک زندگی بوسیله‌ی نحوه‌ی مصرف، و تعهد سبز بوسیله‌ی برخی انتخاب‌های مصرفی مرتبط با محیط زیست مورد سنجش قرار گرفته است. نتیجه اینکه سبک‌های مختلف زندگی، تعهد سبز را بهتر از متغیرهای اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌کند. مطالعات هان‌پا (۲۰۰۷)، سزری و همکاران (۲۰۱۱)، نشان می‌دهد که سبک زندگی متغیر مؤثری بر رفتارهای زیست‌محیطی است؛ بطوریکه سبک‌های مختلف زندگی، تعهد حمایت از محیط زیست را بهتر از متغیرهای سنتی اجتماعی و اقتصادی توضیح می‌دهد. قابل ذکر است که در پژوهش‌های یاد شده در تأکید بر رفتارهای زیست‌محیطی بیشتر با رویکرد مصرف توجه شده است و کمتر به نحوه‌ی مواجهه یا برخورد افراد با محیط زیست طبیعی بپردازد (Haan Paa, 2007).

فراج و همکاران (۲۰۰۶)، تحقیقی با عنوان «ارزش‌های زیست‌محیطی و سبک زندگی به‌عنوان عامل‌های تعیین‌کننده‌ی رفتار مصرفی محیطی» در سال ۲۰۰۶ انجام شده است. هدف تحقیق این است که چه ارزش‌های و چه نوع از سبک زندگی، بهترین توصیف برای رفتار دوستانه نسبت به محیط زیست را دارد. داده‌ها توسط پرسشنامه بصورت تصادفی گردآوری شده‌اند. حجم نمونه، ۵۷۳ نفر می‌باشد. یافته حاکی از این است که الگوهای محیط زیستی و ارزش‌های خود اجرایی همان‌هایی هستند که به نحو احسن بخش زیستی بازار را توصیف می‌کند. این گروه از مصرف‌کنندگان بوسیله‌ی احساسات خود اجرایی‌شان مشخص می‌شوند. این‌ها افرادی هستند که همیشه در تلاش برای پیشرفتشان هستند و فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که برایشان چالش‌برانگیز باشد. همچنین این افراد بوسیله‌ی سبک زندگی بومی و محیطی خود، که همان آگاهی زیست‌محیطی است، مشخص می‌شوند؛ کالاها را بازیافت می‌کنند و در فعالیت‌های مرتبط با حفاظت از محیط

زیست شرکت می‌کنند. این نوع از مصرف‌کنندگان علاقه‌مند به شرکت‌هایی هستند که نسبت به محیط زیست متعهد می‌باشند و کالاهای جدید عرضه می‌کنند و آن‌ها را به عنوان تجربه‌ی جدید نشان می‌دهند (Fraj & et al, 2016).

مطالعات نشان می‌دهد که کمتر به سبک زندگی به‌عنوان متغیر تاثیرگذار بر محیط زیست و رفتارهای زیست‌محیطی توجه شده است؛ به‌عبارتی در حوزه‌ی رفتارهای زیست‌محیطی، تاکنون نقش رفتارهای فردی کم‌رنگ دیده شده است و در مطالعات خارج از کشور هم معدود بدان پرداخته شده است. با توجه به رویکرد پژوهش حاضر برای ارتباط میان میان سبک زندگی و رفتار زیست‌محیطی باید عنوان کنیم که در پژوهش‌های پیشین کمتر از منظر جامعه‌شناسی فرهنگی و مصرف و همچنین عناصر سبک‌زندگی به مقوله‌ی رفتار زیست‌محیطی پرداخته شده است؛ همچنین با توجه به اینکه شهر شیراز از جمله مهم‌ترین کلان‌شهرهای درگیر در مخاطرات زیست‌محیطی است، تا به حال پژوهش سازمان یافته‌ای برای بررسی این پدیده در شیراز به انجام نرسیده است.

فرضیه‌های پژوهش

الف) فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد بین سبک‌زندگی و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

ب) فرضیات فرعی

- ۱- به نظر می‌رسد بین مدیریت بدن و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی فرهنگی و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی ورزشی و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی فراغتی - تفریحی و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی مذهبی و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی اینترنتی و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی مبادی آداب و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

- ۸- به نظر می‌رسد بین سبک غذایی پرخطر و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
- ۹- به نظر می‌رسد بین سبک منزل‌محور و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
- ۱۰- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی سلامت‌محور و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق در سال ۱۳۹۶ و به روش پیمایشی انجام شده است. جمعیت آماری تحقیق شامل کلیه افراد بالای ۱۵ سال در ۱۱ منطقه‌ی شهر شیراز است که با استفاده از منطقه‌بندی مورد توافق شهرداری شیراز متناسب با آخرین تغییرات این منطقه‌بندی، تفکیک و متناسب با جمعیت هر منطقه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. جمعیت شهر شیراز طبق آخرین آمار ۵۷۲،۵۶۵،۱ نفر محاسبه شده است که بر اساس فرمول کوکران حجم کل نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه گردیده است. با استفاده از نقشه‌ی شهر شیراز و مناطق یازده‌گانه طبق آخرین تغییرات توسط سازمان شهرداری شیراز، در گام بعد با توجه به تعداد خانوار در هر منطقه و همچنین جمعیت ساکن در هر کدام از ۱۱ منطقه‌ی شهر شیراز، سهم خانوار در منطقه محاسبه گردیده و سهم هر کدام از مناطق از تعداد سهم پرسشنامه محاسبه گردید. در گام بعد در هر منطقه بلوک‌هایی انتخاب شده و از هر بلوک، خانوارها و از هر خانوار یک نفر مورد پژوهش قرار گرفته است. نمونه‌های آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به دست آمده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه‌ها متناسب با تعداد خانوار در هر منطقه توزیع شده‌اند. ۴۲ پرسشنامه در منطقه‌ی ۱، ۴۵ پرسشنامه در منطقه‌ی ۲، ۵۱ پرسشنامه در منطقه‌ی ۳، ۶۷ پرسشنامه در منطقه‌ی ۴، ۳۷ پرسشنامه در منطقه‌ی ۵، ۳۳ پرسشنامه در منطقه‌ی ۶، ۴۷ پرسشنامه در منطقه‌ی ۷، ۹ پرسشنامه در منطقه‌ی ۸، ۳۵ پرسشنامه در منطقه‌ی ۹، ۳۵ پرسشنامه در منطقه‌ی ۱۰ و ۲۶ پرسشنامه در منطقه‌ی ۱۱ گردآوری شده است.

تعریف مفاهیم

سبک زندگی: بوردیو عناصر و مؤلفه‌های سبک زندگی را در دو سطح مطالعه و بررسی می‌کند؛ سطح اول: دارایی‌ها (کالاهای فرهنگی و تجملی)؛ مانند خانه، ویلا، اثاثیه، قایق تفریحی، ماشین، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، نوشابه‌ها، سیگارها، عطرها و لباس‌ها. نوعی

نظام‌مندی در تمام ویژگی‌ها و دارایی‌هایی که گروه‌ها برای خویش فراهم ساخته‌اند وجود دارد. سطح دوم: رفتارها و فعالیت‌هایی مثل انواع ورزش، بازی و سرگرمی که افراد با ارجاع بدان‌ها تشخیص و تمایز خود را از سایرین نشان می‌دهند (Bourdieu, 2011:243). نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که رفتارهایی که شاخص سبک زندگی هستند باید بیش از بقیه رفتارها قدرت انتخاب کنشگر را نشان دهند. غالب چنین رفتارهایی خارج از عرصه‌ی توان مادی فرد قرار دارند. سبک زندگی باید بر اساس رفتارهایی سنجیده شود که با داشتن توان مادی در اراده‌ی کنشگر برای انجام دادن یا ندادن آن بی‌تأثیر باشد، یا میزان تأثیر آنها به حدی باشد که اکثر اعضای جامعه قادر به انجام آن باشند. بوردیو استفاده از محصولات فرهنگی و هنری را که غالباً هزینه‌ی زیادی در بر ندارد شاخص سبک زندگی می‌داند (Fazeli, 2003:126).

در این پژوهش علاوه بر وارد کردن مفاهیمی که نشان دهنده‌ی فرهنگ بومی ایرانیان است، سعی شده است شاخص‌های اساسی سبک زندگی از منظر بوردیو از قبیل مصرف فرهنگی، فعالیت فراغت و مدیریت بدن نیز عملیاتی شوند. برخی از انواع مصرف فرهنگی مورد استفاده عبارتند از: رفتن به تئاتر و سینما، گوش دادن به موسیقی، خواندن کتاب، روزنامه و مجله، دیدن تلویزیون و رسانه‌های تصویری، گوش دادن به رادیو، بازدید از موزه و شرکت کردن در انواع فعالیت‌های هنری. گروه دوم شاخص‌های سبک زندگی عبارتند از فعالیت‌هایی که افراد در زمان فراغت انجام می‌دهند. انتخاب فعالیت فراغت در زمان فراغت نشانه‌ای از ارزش‌های فرهنگی و قریحه فرد است. این فعالیت‌ها شامل انجام فعالیت ورزشی، گردش و تفریح و مسافرت، رفت و آمد با دوستان و خویشاوندان، گشت و گذار در پاساژ و مراکز خرید، حضور در زیارتگاه‌های مذهبی، انجام فعالیت مذهبی و مشارکت در اعمال داوطلبانه اجتماعی است. سومین شاخص نیز مدیریت بدن می‌باشد که شامل رفتن به باشگاه به منظور تناسب اندام، پوشش متناسب با مد روز، استفاده از انواع عطر و کرم‌ها، استحمام روزانه و کنترل وزن از طریق رژیم غذایی یا دارو می‌باشد.

علاوه بر سه شاخص اصلی از منظر بوردیو، دو شاخص فرعی دیگر نیز در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است که شامل الگوی مصرف غذا (خوردن سبزیجات و میوه‌ها، مصرف گوشت سفید و قرمز، صرف غذا در منزل یا رستوران و کافی‌شاپ، استفاده از رژیم غذایی گیاهی، خوردن شیرینی و مواد قندی، خوردن غذاهای چرب و توجه به کالری غذاها) و همچنین شاخص الگوی رفتار با دیگران (شامل نحوه‌ی برقراری ارتباط افراد و شیوه‌های استفاده از زبان و در حالت کلی نمادها در گفت‌وگو و تحمل عقاید مخالف خود و

رفتار احترام‌آمیز با دیگران). در مجموع ۵ شاخص (۳ شاخص اصلی و ۲ شاخص فرعی) برای سنجش سبک زندگی شهروندان شهر شیراز در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

رفتار زیست‌محیطی: راه رفتن روی چمن، کاشتن درخت، آتش زدن سبزه‌ها، خوردن جانوران، تمام این فعالیت‌ها چه چیز مشترکی دارند؟ تمام این‌ها مثال‌هایی از رفتار انسان است که تأثیراتی بر محیط زیست دارد؛ کم یا زیاد، مثبت یا منفی. با این وجود، از آنجا که مردم تقریباً به‌طور دائم در تعامل با محیط زیست‌شان هستند، تقریباً تمامی رفتارهای انسانی می‌تواند رفتار محیط زیستی نامیده شود. بدان معنی است که این واژه شامل تمام فعالیت‌هایی است که صرف نظر از واقعی بودنشان، چگونه تأثیری ناچیز بر محیط زیست می‌گذارند؛ مثل راه رفتن یا هر حرکت انسانی حتی نفس کشیدن (Krajhanzel, 2010:251) و همچنین رفتار اکولوژیکی یعنی بازیافت، صرفه‌جویی در انرژی و آب، مصرف مقرون به صرفه، همکاری با سازمان‌های محیط زیستی (Ibid, 2010:252).

در این پژوهش رفتار زیست‌محیطی از لحاظ عملیاتی به‌عنوان اعمال واضح و قابل مشاهده‌ای در نظر گرفته شده است که توسط فرد و در پاسخ به محیط زیست انجام می‌شود. همچنین رفتارهای زیست‌محیطی به چهار حوزه‌ی رفتار زیست‌محیطی عام (شامل رفتارهای عمومی افراد در شرایط مختلف همچون جمع‌آوری زباله و فکر کردن به اینکه چطور کمتر زباله تولید کنند)، رفتار زیست‌محیطی در حوزه‌ی آلودگی هوا (همچون ترجیح وسایل نقلیه‌ی عمومی)، رفتار زیست‌محیطی مصرف بهینه‌ی آب (توجه به مصارف کمتر آب در شرایط مختلف)، رفتار زیست‌محیطی بازیافت (تفکیک زباله) در نظر گرفته شده است که هر کدام نشان‌دهنده‌ی تأثیر خاصی در محیط طبیعی اطراف است که در نهایت تمامی اینها تحت عنوان متغیر وابسته‌ی رفتار زیست‌محیطی قرار گرفته‌اند.

بنابراین در این پژوهش بر رفتارهای آگاهانه‌ی افراد در ارتباط با حفظ محیط زیست تأکید شده است. رفتارهایی همچون خاموش کردن چراغ‌ها در صورت ترک اتاق به‌عنوان آخرین نفر، خاموش کردن وسیله‌ی گرمایشی در زمستان در صورت عدم حضور بیش از ۴ ساعت در منزل، شرکت در کمپین‌های پاکسازی محیط زیست، شرکت در فعالیت‌های محیط زیستی (NGO)، شرکت در جلسات و گردهمایی با هدف حفاظت از محیط زیست، تفکیک زباله‌های تر از زباله‌های خشک در منزل، توجه به مصرف کمتر وسایل برقی در ساعات اوج مصرف برق، ریختن آشغال در کوچه و خیابان، رها کردن زباله‌ها در هنگام گردش و تفریح، برداشتن زباله‌ی دیگران از زمین، ترجیح وسایل حمل و نقل عمومی به

ماشین شخصی، پرداخت مالیات محیط زیستی (مانند حق پارک ماشین در خیابان)، خاموش کردن موتور ماشین پشت چراغ قرمز، باز کردن شیر آب برای خنک شدن آب آشامیدنی، باز گذاشتن دوش آب تا پایان هنگام استحمام، جدا کردن کاغذ و زباله‌های خشک از زباله‌های تر استفاده‌ی دوباره از کاغذ باطله، طیف گسترده‌ای از رفتارهای افراد در زندگی روزمره که آگاهانه برای محافظت از محیط زیست انتخاب می‌شوند. بنابراین با توجه به چارچوب نظری پژوهش می‌توان مشاهده نمود که برای عملیاتی‌سازی سبک زندگی از مفاهیم مورد نظر بورديو بهره گرفته شده است تا در گام بعدی ارتباط آن‌ها با رفتار زیست‌محیطی سنجیده شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۴۹/۲ درصد پاسخگویان زن و ۵۰/۸ درصد پاسخگویان مرد هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۵/۴ سال، میانه ۳۲ سال، مد ۲۷ سال و انحراف معیار ۱۳/۱ است. کمترین سن ۱۵ سال و بیشترین ۸۲ سال است. ۴۳/۳ درصد افراد غیر شاغل و ۵۴/۵ درصد افراد شاغل می‌باشند. ۴۵/۳ درصد افراد دارای تحصیلات غیر دانشگاهی (دیپلم و پایین‌تر) و ۵۳/۹ درصد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی (فوق دیپلم و بالاتر) می‌باشند.

در این مطالعه با توجه به شاخص‌های مستخرج از مطالعات پیشین با محوریت نظریات بورديو در ارتباط با سبک زندگی و بر پایه‌ی نتایج تکنیک تحلیل عاملی، ۱۰ عامل برای متغیر سبک زندگی به دست آمد که سبک زندگی مدیریت بدن، سبک زندگی فرهنگی، سبک زندگی معطوف به ورزش، سبک زندگی فراغت - تفریحی، سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی اینترنتی، سبک زندگی مبادی آداب، سبک غذایی پرخطر، سبک منزل محور و سبک زندگی سلامت‌محور نام‌گذاری شدند. با توجه به آماره‌ی $0/82 = K.M.O$ در تمام ابعاد می‌توان گفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند؛ در واقع با سطح معناداری ($Sig = 0/000$) و سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد، می‌توان گفت که تمامی عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر برای متغیر مستقل داشته‌اند. بنابراین نتایج تفصیلی تکنیک تحلیل عامل و نتایج مستخرج را در جدول ۱ مشاهده می‌کنید.

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی سبک زندگی در بین شهروندان شهر شیراز

Table 1: Results of Factor Analysis of Lifestyle among Citizens of Shiraz

ابعاد سبک زندگی	عوامل سبک زندگی										اجزای سبک زندگی		
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم	عامل هشتم	عامل نهم	عامل دهم			
Dimensions of Lifestyle	F1	F2	F3	F4	F5	F6	F7	F8	F9	F10	Lifestyle Components		
مدیریت بدن											0/73	پوشیدن لباس‌های تمیز، مرتب	
												0/72	استفاده از عطر، مام رولت و ...
												0/66	پوشش متناسب مد روز در خیابان
												0/62	استحمام روزانه
												0/52	استفاده از انواع کرم‌های مرطوب‌کننده، ضد آفتاب
												0/51	گشت‌وگذار در مراکز خرید
												0/49	پوشش متناسب مد روز در مجالس
												0/36	استفاده از تافت، چسب مو
سبک زندگی فرهنگی											0/73	بازدید از موزه‌ی فرهنگی - هنری	
												0/73	شرکت در انجمن علمی، ادبی و هنری
												0/67	رفتن به تئاتر، سینما و کنسرت
												0/61	انجام فعالیت هنری
												0/58	بازدید از نمایشگاه
												0/48	مطالعه‌ی کتاب، روزنامه
سبک زندگی ورزشی											0/81	حضور در باشگاه ورزشی	
												0/75	رفتن به باشگاه به منظور تناسب اندام
												0/72	انجام فعالیت ورزشی
												0/48	کنترل وزن با رژیم و ورزش
سبک زندگی فراغتی - تفریحی											0/78	مسافرت تفریحی	
												0/73	رفت و آمد با دوستان
												0/72	گردش و تفریح
سبک زندگی مذهبی											0/81	مشارکت در اعمال داوطلبانه	
												0/76	دیدوبازدید از خویشاوندان
												0/55	انجام فعالیت دینی

ابعاد سبک زندگی <i>Dimensions of Lifestyle</i>	عوامل‌های سبک زندگی										اجزای سبک زندگی <i>Lifestyle Components</i>
	عامل دهم	عامل نهم	عامل هشتم	عامل هفتم	عامل ششم	عامل پنجم	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	
	F10	F9	F8	F7	F6	F5	F4	F3	F2	F1	
						0/53					حضور در زیارتگاه مذهبی
سبک زندگی					0/75						حضور در فضای مجازی
اینترنتی					0/74						استفاده از اینترنت
سبک زندگی				0/60							استفاده از کلمات محبت‌آمیز
مبادی آداب				0/57							قطع نکردن حرف طرف مقابل
سبک غذایی			0/79								خوردن شیرینی و مواد قندی
پرخطر			0/75								خوردن غذای چرب
			0/48								صرف غذا در رستوران و کافه
سبک منزل‌محور		0/76									صرف غذا در منزل
		0/68									استراحت در منزل
سبک زندگی	0/75										استفاده از رژیم غذایی گیاهی
سلامت‌محور	0/61										کنترل وزن از طریق دارو
	0/49										توجه به کالری غذا

همان‌طور که ملاحظه می‌شود جدول ۲، توزیع فراوانی و درصد گویه‌های مربوط به رفتار زیست‌محیطی شهروندان را نشان می‌دهد. این طیف شامل ۲۵ گویه است که هر گویه، رفتار زیست‌محیطی شهروندان را می‌سنجد. با توجه به درصدهای جدول، بیشترین میانگین مربوط به گویه «شکستن و کندن شاخ و برگ درختان» با میانگین ۴/۸۸ است. همچنین کمترین میانگین متعلق به گویه « شرکت در جلسات و گردهمایی با هدف مسائل محیط زیستی» با میانگین ۱/۳۷ است؛ همچنین در جدول ۲ مقدار میانگین و انحراف استاندارد را در مؤلفه‌های مختلف سبک زندگی نشان داده می‌شود. با توجه به مقادیر موجود در جدول، بیشترین میانگین متعلق به متغیر سبک زندگی مدیریت بدن با مقدار ۲۳/۷۲ و همچنین کمترین میانگین متعلق به سبک زندگی سلامتی با میانگین ۵/۸۱ است.

جدول ۲: اطلاعات توصیفی متغیر وابسته (رفتار زیست‌محیطی)

Table 2: Descriptive Information of the Dependent Variable (Environmental Behavior)

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	گویه‌های سازنده رفتار زیست‌محیطی
Std.Deviation	Mean	Minimum	Maximum	Elements of Environmental Behavior
0/731	4/66	5	1	ریختن آشغال در کوچه و خیابان
0/491	4.88	5	1	شکستن و کندن شاخ و برگ درختان
1/082	2/39	5	1	برداشتن زباله دیگران از زمین
1/038	4/05	5	1	خاموش کردن لامپ در اتاق‌هایی که لازم نیست
0/985	3/49	5	1	استفاده از لباس گرم بیشتر در فصل سرما به جای سوزاندن انرژی
1/081	2/83	5	1	استفاده از مواد غذایی ارگانیک
1/065	3/24	5	1	پایین نگه داشتن درجه‌ی حرارت وسایل گرمازا برای ذخیره‌ی انرژی
1/227	2/28	5	1	همراه داشتن کیسه‌ی پلاستیکی برای خرید روزانه
1/222	3/65	5	1	خاموش کردن وسیله‌ی گرمایشی در اتاق‌های غیر ضروری
0/940	1/55	5	1	شرکت در کمپین‌های پاکسازی محیط زیست
0/805	1/42	5	1	شرکت در فعالیت سازمان‌های مردم نهاد (سمن) محیط زیستی
0/762	1/37	5	1	شرکت در جلسات و گردهمایی با هدف مسائل محیط زیستی
1/291	3/43	5	1	مصرف کمتر وسایل برقی در ساعات اوج مصرف برق
1/267	2/85	5	1	ترجیح وسایل حمل و نقل عمومی به ماشین شخصی
1/193	2/63	5	1	پرداخت مالیات محیط زیستی (مانند حق پارک ماشین در خیابان)
1/078	1/81	5	1	خاموش کردن موتور ماشین پشت چراغ قرمز
1/093	3/73	5	1	جلوگیری از هرز رفتن آب در موقع شستن ظروف
1/351	3/56	5	1	باز گذاشتن دوش آب تا پایان استحمام
1/934	3/63	5	1	صرفه‌جویی در مصرف آب هنگام شست و شوی دست
1/079	3/82	5	1	استفاده از مواد شوینده دارای نشان استاندارد
1/102	3/96	5	1	جلوگیری از هرز رفتن آب هنگام مسواک زدن
1/401	3/05	5	1	جدا کردن کاغذ و زباله‌های خشک از زباله‌های تر
1/293	3/04	5	1	استفاده‌ی دوباره از کاغذ یا روزنامه‌های باطله
1/215	2/66	5	1	توجه به قابل بازیافت بودن وسایل در هنگام خرید
1/166	2/75	5	1	استفاده‌ی مجدد از ظروف و بطری‌های شیشه‌ای و پلاستیکی

بر اساس نتایج جدول ۳ نتایج آزمون همبستگی متغیرهای مستقل مدیریت بدن، سبک زندگی فرهنگی، سبک زندگی ورزشی، سبک زندگی فراغتی - تفریحی، سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی اینترنتی، سبک زندگی مبادی آداب، سبک غذایی پرخطر، سبک منزل محور و سبک زندگی سلامت محور با متغیر وابسته رفتار زیست محیطی را ارائه می دهد. هم چنان که ملاحظه می شود، در سطح ۹۹ درصد اطمینان، بین شش متغیر مستقل: سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی اینترنتی، سبک زندگی مبادی آداب، سبک غذایی پرخطر، سبک منزل محور و سبک زندگی سلامت محور با رفتار زیست محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و در سطح ۹۵ درصد اطمینان بین دو متغیر مستقل: سبک زندگی فرهنگی و سبک زندگی ورزشی با رفتار زیست محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در این میان بین سبک زندگی فرهنگی، سبک زندگی ورزشی، سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی مبادی آداب، سبک منزل محور و سبک زندگی سلامت محور با رفتار زیست محیطی رابطه‌ی مثبت و قوی وجود دارد و بین سبک غذایی پرخطر و سبک زندگی اینترنتی با رفتار زیست محیطی رابطه‌ی منفی و قوی وجود دارد.

جدول ۳: رابطه‌ی همبستگی بین انواع مختلف سبک زندگی با رفتار زیست محیطی
Table 3: The Correlation between Different Types of Lifestyle and Environmental Behavior

سطح معناداری	رفتار زیست محیطی (متغیر وابسته)	متغیرهای مستقل
<i>Sig</i>	<i>Environmental Behavior</i>	<i>Independent Variables</i>
0/192	-0/76	مدیریت بدن
0/013	0/145*	سبک زندگی فرهنگی
0/026	0/128*	سبک زندگی ورزشی
0/813	-0/014	سبک زندگی فراغتی - تفریحی
0/000	0/458**	سبک زندگی مذهبی
0/009	-0/149**	سبک زندگی اینترنتی
0/000	0/244**	سبک زندگی مبادی آداب
0/000	-0/201**	سبک غذایی پرخطر
0/000	0/202**	سبک منزل محور
0/000	0/339**	سبک زندگی سلامت محور

** $P < 0.01$ * $P < 0.05$

بر اساس منطق روش چند متغیره، متغیرهای مستقلی که در تبیین واریانس سهم قابل توجهی داشتند، برای متغیر وابسته طی پنج مرحله وارد معادله شدند که در جدول ۴ نشان داده شده است. بر اساس نتایج می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین متغیری که رفتار زیست‌محیطی را تبیین می‌کند، سبک زندگی مذهبی است؛ بدین معنی که سبک زندگی مذهبی تأثیر مثبت و هم‌افزایی بر روی رفتار زیست‌محیطی دارد. دومین متغیر وارده بر مدل، سبک زندگی سلامت‌محور است. با ورود این متغیر به معادله، توان تبیین مدل ۲۲ درصد می‌شود. سومین متغیر سبک زندگی فراغتی - تفریحی است که با ورود آن توانایی تبیین ۲۵ درصد می‌شود. با ورود متغیر چهارم که سبک زندگی مبادی آداب است توانایی تبیین به ۲۷ درصد افزایش می‌یابد و در نهایت با ورود متغیر سبک زندگی اینترنتی مجموع توان تبیین مدل حدوداً به ۳۰ درصد می‌رسد.

جدول ۴: تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته رفتار زیست‌محیطی

Table 4: Stepwise Multivariate Analysis to Predict the Environmental Behavior Dependent Variable

متغیر وارد شده	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	F	سطح معنی‌داری	ضرایب استاندارد شده	T	معناداری
Variables	R	R2	Adjusted R2	F	sig F	Beta	T	Sig
سبک زندگی مذهبی	0/422	0/178	0/175	54/904	0/000	0/356	6/562	0/000
سبک زندگی سلامت‌محور	0/482	0/232	0/226	38/153	0/000	0/235	4/224	0/000
سبک زندگی فراغتی - تفریحی	0/514	0/264	0/255	30/032	0/000	-0/129	-2/163	0/032
سبک زندگی مبادی آداب	0/535	0/286	0/275	25/055	0/000	0/173	3/138	0/002
سبک زندگی اینترنتی	0/546	0/298	0/284	24/154	0/000	-0/122	-2/061	0/040

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در این مقاله تأکید شد، سبک زندگی به‌عنوان فعالیت‌های نظام‌مند نشأت یافته از ذوق و سلیقه فرد، که بیشتر جنبه‌ی عینی و خارجی دارد و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشد، بر اساس جایگاه فرد در فضای اجتماعی، مجموعه امکاناتی را در اختیار فرد قرار می‌دهد که کیفیت انتخاب‌های او را شکل می‌دهند و نوعی

رفتار خاص را تسهیل یا منع می‌کنند. بنابراین در این پژوهش سبک‌های زندگی متفاوت افراد را در فضای اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقلی در نظر گرفته‌ایم که مجموعه‌ی رفتارهای متفاوتی را در ارتباط با محیط زیست باعث می‌شود. از این رو در مطالعه‌ی حاضر، سبک زندگی را به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در ارتباط با رفتار زیست‌محیطی در میان شهروندان شهر شیراز مورد بررسی قرار دادیم. بر این اساس، نتایج آزمون همبستگی در ارتباط با سبک‌های زندگی یافت شده به‌عنوان متغیر مستقل تحقیق، هشت متغیر مستقل: سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی اینترنتی، سبک زندگی مبادی آداب، سبک غذایی پرخطر، سبک منزل‌محور، سبک زندگی فرهنگی، سبک زندگی ورزشی و سبک زندگی سلامت‌محور با رفتار زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در این میان بین سبک زندگی فرهنگی، سبک زندگی ورزشی، سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی مبادی آداب، سبک منزل‌محور و سبک زندگی سلامت‌محور با رفتار زیست‌محیطی رابطه‌ی مثبت و قوی وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی این امر است که احتمالاً افرادی که در فضای اجتماعی با این ویژگی‌ها شناخته می‌شوند، رفتار زیست‌محیطی برای آنها تسهیل شده‌تر است و به صورت آگاهانه به سمت ارزش‌های حفاظت از محیط زیست حرکت می‌کنند. در این میان بین سبک غذایی پرخطر و سبک زندگی اینترنتی با رفتار زیست‌محیطی رابطه‌ی منفی و قوی وجود دارد که نشان می‌دهد عوامل منع‌کننده‌ی رفتارهای زیست‌محیطی در میان این اقشار، مانع از بروز رفتارهای زیست‌محیطی می‌شود.

با استفاده از تکنیک آماری رگرسیون چند متغیری گام به گام و نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیری که رفتار زیست‌محیطی را تبیین می‌کند، سبک زندگی مذهبی است که نتیجه‌ی تحقیق نواح و همکاران (۱۳۹۰)، را تأیید می‌کند؛ همچنین این مسأله می‌تواند تأییدی بر این نظر *Bocock* باشد که دین، نه تنها می‌تواند مردم را نسبت به برخی از سبک‌های زندگی در قیاس با سبک‌های زندگی دیگر ترغیب نماید، بلکه می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک‌های زندگی مصرفی داشته باشد. باکاک معتقد است «هنوز مواعظ دینی می‌توانند بسیاری از مردم را در سراسر جهان با دلایل مستحکم و الگوهای برانگیزنده به محدود کردن امیالشان به کالاها و تجارب مصرفی ترغیب کنند» (*Bocock, 2002:177 as cited in Azadarmaki and Shalchi, 2005:168*). از این رو دین نه تنها می‌تواند بر انتخاب سبک زندگی اثر گذارد، بلکه احتمالاً در سبک‌های زندگی دینداران تبعیت کمتری از الگوهای مصرف سرمایه‌داری خواهد شد.

به ترتیب، متغیرهایی که بیشترین تسهیل را در راه بروز رفتار زیست‌محیطی داشته‌اند و تأثیر بیشتری بر متغیر وابسته نهاده‌اند عبارت‌اند از: سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی مبادی آداب، سبک زندگی سلامت‌محور، سبک زندگی منزل‌محور، سبک زندگی فرهنگی و سبک زندگی ورزشی و متغیرهایی که به‌عنوان مانع برای بروز رفتار زیست‌محیطی شناخته شده‌اند عبارت‌اند از: سبک غذایی پرخطر و سبک زندگی اینترنتی، که مجموعاً توان تبیین حدوداً ۳۰ درصد را به نمایش می‌گذارند. همه‌ی این موارد که در بالا به آنها اشاره شد، یعنی گرایش‌های مذهبی در سبک زندگی مذهبی، توجه به کالری غذاها و کنترل وزن که از نظر بورديو با سبک‌های زندگی سلامت مرتبط هستند، با طبقه‌ی اجتماعی وابسته به سرمایه‌ها که تأثیر قابل توجهی بر شاخص توده‌ی بدنی، مخصوصاً برای زنان دارند، ارتباط دارند. انتظار داریم سه نوع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در این نوع سبک‌های زندگی به نوعی بروز دهنده‌ی این رفتارها باشند؛ به‌عبارتی اگر آموزه‌های مختلف مذهبی در سبک زندگی مذهبی نوعی رفتار عادلانه با محیط زیست را تبلیغ می‌کنند، احتمالاً سطوح بالای سرمایه‌ی فرهنگی در سبک‌های زندگی سلامت که مستلزم کسب آگاهی‌هایی از این طریق است، باعث بروز رفتار متناسب با محیط زیست می‌شوند. در رابطه با ورزش، سطوح بالاتر سرمایه‌ی فرهنگی ممکن است تلاش یک فرد را برای ورزش کردن و همچنین نوع درک فرد از مکانیسم‌های طبیعی، او را به سمت و سوی رفتارهای زیست‌محیطی سوق دهد. در رابطه با ورزش همچنین، سرمایه‌ی اجتماعی ممکن است با چندین مکانیزم نمایش داده شود؛ ممکن است دستیابی به تندرستی مرتبط با پشتیبانی احساسی و اطلاعاتی که تسهیل‌کننده و تقویت‌کننده‌ی رفتارهای متناسب با محیط زیست در حوزه‌ی عام رفتار زیست‌محیطی و یا سایر رفتارها باشد؛ همچنین سبک زندگی منزل‌محور در این پژوهش با اولویت به صرف وقت در منزل مشخص می‌شود که می‌تواند از طریق ارزش‌های خانوادگی به رفتار متناسب با محیط زیست منجر شود.

همان‌طور که بورديو تأکید می‌کند هر فرد یک موقعیت در فضای چند بعدی اجتماعی را آشغال می‌کند که عضویت در طبقه‌ی اجتماعی خاصی را تشکیل می‌دهد. این موقعیت توسط حجم سرمایه‌ای که هر فرد به نسبت بقیه افراد داراست و همچنین توزیع نسبی انواع متفاوت سرمایه تعریف می‌شود. بنابراین انواع سبک‌های حامی رفتار زیست‌محیطی در این پژوهش نشان‌دهنده‌ی جایگاه‌های اجتماعی خاصی است که به تناسب موقعیتی که برای فرد ایجاد می‌کنند، رفتار زیست‌محیطی را تسهیل می‌کنند. اما رابطه‌ی منفی دو نوع سبک غذایی پرخطر و سبک زندگی اینترنتی با رفتار زیست‌محیطی

نشان‌دهنده‌ی این امر است که افرادی که ذائقه‌ی غذایی سنگین و چرب، همچون افراد فست‌فودی، دارا هستند، از طریق بی‌اهمیتی به کالری و یا سلامت غذا مشخص می‌شوند. بر اساس نظر بوردیو بر حسب غذا خوردن، افراد از طبقات پایین با سطح پایین سرمایه، گرایش به غذاهای سنگین، چاق‌کننده و چرب که معمولاً ارزان هستند، دارند (Bourdieu, 1984:177). همین امر نشان می‌دهد که افرادی که این چنین سبک زندگی را دارا هستند، کمتر به سمت کسب آگاهی یا در معرض رفتارهای حامی محیط زیست قرار می‌گیرند. همچنین طبق نظر کالموس و اجی‌من، افرادی که به سلامتی‌شان در اولویت نیست و چندان اهمیتی نمی‌دهند، قادر به انجام رفتارهای حامی محیط زیست نیستند. همچنین افراد دارای سبک زندگی اینترنتی نیز احتمالاً به دلیل درگیری عاطفی کمتر با محیط‌های طبیعی و حجم فراوان اطلاعاتی که روزانه در قالب‌های مختلف دریافت می‌کنند، کمتر در معرض رفتار و کنشگری زیست‌محیطی قرار می‌گیرند.

References:

Aghili, M., Khoshfar, Gh. & Salehi, S. (2009). "Social Capital and Responsible Environmental Behaviors in Northern Iran (Case Study: Guilam, Mazandaran and Golestan Provinces)", *Agricultural Sciences and Natural Resources*, 16(1), 23-250. (Persian).

Azadarmaki, T. & Shalchi, V. (2005). "Two Iranian Worlds: Mosque and Coffee Shop", *Cultural Studies and Communication*, 1(4), 163-184. (Persian).

Bourdieu, P. (1984). *Distinction: a social critique of the judgment of taste*, Translated by Nice, R., Cambridge, MA: Harvard University Press.

Bourdieu, P. (1986). "The forms of capital, in: Richardson, J. N. (ed), *Handbook of theory and research for sociology of education*", Green wood press: 241-258.

Bourdieu, P. (1987). "What makes a social class?", *Berkely journal of sociology*, 32: 1- 18.

Bourdiue, P. (2011). *Distinction: A social Critique of the Judgement of Taste*, Translation by Hasan Chavoshian, Tehran, Sales Publications. (Persian).

Brown, L. (2014). *Save the environment*, Translation by Hamid Taravati, Mashhad, Academic Jihad Publications. (Persian).

Christensen, V. T. and Carpiano, R. M. (2014). "Social class differences in BMI among Danish woman: applying cockerham`s health lifestyle approach and bourdieus theory of lifestyle", *Social science and medicine*, 112: 12-21.

Cockerham W. C. (2005). "Health lifestyle theory and the convergence of agency and structure", *the journal of health and social behavior*, 46(1): 51-67.

Fathi, Z., Kanaani, M. & Chavoshian, H. (2015). "Analysis of environmental behaviors of Rasht residents with emphasis on lifestyle", *Institute of Humanities and Cultural Studies*, 6(3), 87-104. (Persian).

Fazeli, M. (2003). *Consumption and Lifestyle*, Ghom: Sobh Sadegh Publication. (Persian)

Forotankia, Sh. & Navah, A. (2016). *Environmental Sociology*, Tehran, Sociologicals Publication. (Persian).

Fraj, E. and Martinez, E. (2006). "Environmental values and lifestyles as determining factors of ecological consumer behaviour:

an empirical analysis”, *Journal of Consumer Marketing*, 23: 133-144.

Giddens, A. (2008). *Politics, Sociology and Social Theory*, Translation by Manoochehr Saboori, Tehran, Ney Publication. (Persian).

Giddens, A. (2010). *Sociology*, Translation by Hasan Chavoshian, Tehran, Ney Publication, (Persian).

Haanpää, L. (2007). “Consumers’ green commitment: indication of a postmodern lifestyle?”, *International Journal of Consumer Studies*, 31(5): 478-486.

Hajizade, M., Sayarkholj, H. & Shekoohifar, K. (2014). “A Survey of Cultural Factors Related to Environmental Behaviors (Case Study: Yazd City)”, *Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 3(3), 109-141. (Persian).

Hemmati, Z. & Shobeiri, M. (2015). “An Analysis of the Components of Environmental Culture Promotion of Shiraz Citizens”, *Iranian Journal of Cultural Research*, 8(4), 197-215. (Persian).

Jabaran, M. (2011). “Conceptual analysis of lifestyle”, *Ghabasat*, 20(75). 174-187. (Persian).

Khoshfar, Gh., Salehi, S., Vesal, Z. & Abbaszade, M. (2015). “Investigation of Social Factors Affecting Rural Environmental Awareness”, *Rural Research*, 6(1), 138-158. (Persian).

Kollmuss, A. and Agyeman, J. (2002). “Mind the Gap: Why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental behavior?”, *Environmental Education Research*, 8(3): 239-260.

Krajhanzl, J. (2010). “Environment and proenvironmental behavior”, *School and health*, (21): 251-274.

Najafi, H. & Sh. H. (2016). “Critique of Bourdieu's concept of lifestyle”, *Marefat*, 25(12), 42-57. (Persian).

Navah, A., Forotankia, Sh. & Karooni, M. (2011). “Investigating the Relationship between Religion Level and Citizens' Environmental Values and Behaviors (Case Study: Ahvaz City)”, *Urban Sociological Studies*, 1(1), 78-97. (Persian).

Szerényi, Z. M. Zsóka. Á and Széchy, A. (2011). “Consumer behaviour and lifestyle patterns of Hungarian students in view of environmental awareness”, *Society and Economy*, 33(1): 89–110.

The Relationship between Lifestyle and Environmental Behavior of Citizens of Shiraz City

Farnaz Dastras¹ and Bijan Khajehnoori (Ph.D)²

DOI: 10.22055/qjsd.2019.25747.1654

Abstract:

The aim of this study is the relationship between lifestyle and environmental behavior of citizens of Shiraz. The "lifestyle theory" of Bourdieu have used in this study related to types of lifestyle using the cocepts such as habitus, sphere and different types of capital; and also environmental behavior have selected as a set of behavior in relation to environment that have affected by individual's position in social space. The environmental behavior of Kollmuss and Agyeman have used to operate the dimensions of environmental behavior. The survey method is used for this study and statistical population of this study included the people who are over 15 years old in 11 zones of Shiraz According to Cochran formula, the Sample size included 384 people. Statistical samples have obtained through random cluster sampling and the data of this survey have collected through the questionnaire; Ten factors were considered in related to lifestyles through factor analysis; These factors include: management body, cultural lifestyle, sporty lifestyle, leisure lifestyle, religious lifestyle, consciousness and tolerance lifestyle, politely lifestyle, internet lifestyle, high-risk diet, domestic lifestyle and healthy lifestyle. The study shows that, the main effective factors on environmental behavior are: religious lifestyle, healthy lifestyle, sporty lifestyle, leisure lifestyle and politely lifestyle. These lifestyles have a positive and powerful relationship with environmental behavior (the dependent variable) and these independent lifestyle variables, high-risk diet and internet lifestyle; have a negative and powerful relationship with environmental behavior.

Key Concepts: Lifestyle, Environmental Behavior, Habitus, Cultural Capital, Social Capital

¹ Master of Sociology at University of Shiraz, Shiraz, Iran (Corresponding Author), farnazshirazi28@yahoo.com

² associate professor of social science at university of shiraz, shiraz, iran, bkhaje@rose.shirazu.ac.ir



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).